



نخستین فرهنگ دوزبانه بوسنیایی - فارسی گامی در پیوند میان دوزبان و دو فرهنگ

نوشته نامیر کارا خلیلوویچ^۱ | منیر درکیچ^۲



doi: 10.30484/jii.2026.3376

namir.karahalilovic@gmail.com
munir.drkic@gmail.com

• استناد: کارا خلیلوویچ، نامیر؛ درکیچ، منیر (۱۴۰۵). نخستین فرهنگ دوزبانه بوسنیایی-فارسی، گامی در پیوند میان دوزبان و دو فرهنگ. *مجله مطالعات ایرانی-اسلامی*. (۲) ۱۶، ص ۱۸-۳۳.

۱. نامیر کارا خلیلوویچ (Namir Karahalilovic)
استاد تمام تمام کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سارایوو بوسنی و هرزگوین
منیر درکیچ (Munir Drki) 2
استاد تمام کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سارایوو بوسنی و هرزگوین

فرهنگ‌نویسی و ثبت برابریابی‌های زبانی
 میان دوسرزمین بوسنی و هرزگوین و ایران
 محلّ تلاقی دو سنت با ریشه‌های فرهنگی کهن
 و استوار است که از دیرباز با هدف قراردادن
 شناخت زبان و ملزومات آن، صورت گرفته است.
 پیشینه فرهنگ‌نویسی فارسی بسی دیرینه‌تر
 و غنی‌تر است و تاکنون چند فرهنگ که این دو
 سنت را به هم پیوند می‌دهند، نگاشته شده است.

۱. چهارچوب تاریخی

قاموس‌نگاری دوزبانی، بسته به نوع آن، همواره درصدد ارائه داده‌های مربوط به واژگان زبان مقصد به مخاطب است و به‌مثابه وسیله‌ای محوری برای شناخت ابعاد مختلف زبانی یک جامعه عمل می‌کند. فرهنگ‌نویسی و ثبت برابریابی‌های زبانی میان دو سرزمین بوسنی و هرزگوین و ایران محل تلاقی دو سنت با ریشه‌های فرهنگی کهن و استوار است که از دیرباز با هدف قراردادن شناخت زبان و ملزومات آن، صورت گرفته است.

پیشینه فرهنگ‌نویسی فارسی بسی دیرینه‌تر و غنی‌تر است و تاکنون چند فرهنگ که این دو سنت را به هم پیوند می‌دهند، نگاشته شده است. تا آنجا که اطلاع در دست است، قدیمی‌ترین فرهنگ زبان بوسنیایی، فرهنگی به نام مقبول عارف است که نگارش آن در سال ۱۳۶۱ م. پایان یافته است. این اثر، فرهنگ منظوم بوسنیایی - ترکی است و نویسنده آن، محمد هوایی اسقفی است. اما در منابع کمتر به این نکته اشاره شده که فرهنگ اسقفی با نظر به تحفه شاهی (۱۵۱۵م.) که خود فرهنگ منظوم فارسی - ترکی است و به قلم ابراهیم دده شاهی به رشته تحریر درآمده، نوشته شده است. از این‌روست که عنوان دوم نخستین فرهنگ زبان بوسنیایی پُتور شاهی است. با توجه به آنچه گذشت، می‌توان آغاز فرهنگ‌نویسی بوسنیایی را - هرچند غیرمستقیم - با سنت فرهنگ‌نویسی فارسی مرتبط دانست.

نگارش و تدوین فرهنگ‌های فارسی به گذشته‌های دور، یعنی دوره پیش از اسلام، می‌رسد. نخستین فرهنگ‌های فارسی در دوره زبان فارسی میانه - یعنی در سده‌های سوم تا نهم میلادی - تألیف شده و اطلاعاتی در دست است که در آن دوره، فرهنگ‌های اوستایی - فارسی، آرامی - فارسی و سغدی - فارسی رواج داشته است. در میان این منابع کهن، فرهنگ پهلویگ که فرهنگ هزوارش‌های آرامی با برابره‌های آن به فارسی میانه بوده، از شهرت بیشتری برخوردار است.

در دوره اسلامی از سده نهم میلادی، یعنی از زمانی که الفبای عربی در نوشتار زبان فارسی وارد و پذیرفته شد، واژه‌نامه‌نویسی و فرهنگ‌نویسی تحت تأثیر زبان عربی، فزونی یافت. تداول و شکوفایی این امر افزون بر تأثیر فرهنگ عربی با رواج روند رو به رشد شعرسرایی به زبان فارسی در پیوند تنگاتنگی دارد. از پایان سده نهم و در طول سده دهم، شعر فارسی به زبان فارسی در، گستره وسیعی از آسیای مرکزی و بخش اعظم مناطق ایران و افغانستان امروزی را به تصرف خود درآورد. بدین ترتیب، اشاعه شعر فارسی، زبان فارسی را از حدود قلمرو جغرافیایی ایران خارج نمود و به اعتلای آن در سطحی وسیع‌تر، کمک شایانی کرد.

بیشینه فرهنگ‌های فارسی در ایران تا سده چهاردهم میلادی در منطقه آذربایجان و آسیای مرکزی به نگارش درآمده است. از آن زمان، مرکز توسعه واژه‌نویسی فارسی به سمت مشرق‌زمین، یعنی شبه‌قاره هند منتقل گردید. این موج یک‌صد سال بعد؛ یعنی از سده پانزدهم به‌سوی مغرب زمین و تا مناطق آسیای صغیر گسترش پیدا کرد. لازم به ذکر است که صدها واژه‌نامه عربی، فارسی، ترکی و غیره در سرزمین‌های تحت فرمان امپراتوری بزرگ عثمانی نوشته شد. بخش قابل‌توجهی از آثار فرهنگ‌نویسی در این دوره، به فرهنگ‌های فارسی - ترکی اختصاص دارد که بر مبنای شاهکارهای ادبیات کلاسیک فارسی نگاشته شده‌اند.

نویسنده یکی از این فرهنگ‌های منظوم، عثمان بن حسین بوسنوی بوده که در سال ۱۵۸۳ م. فرهنگی با عنوان تحفه منظومه را نوشته است. تا آنجا که نگارندگان این سطور اطلاع دارند، این فرهنگ به‌منزله نخستین اثر یک نویسنده بوشنیاک در زمینه فرهنگ‌نویسی فارسی است. پس از عثمان بن حسین، چند پژوهشگر بوسنیایی راه او را دنبال کردند و در دوره عثمانیان بر فرهنگ تحفه شاهی که در نظام آموزشی امپراتوری عثمانی جایگاه ویژه‌ای داشت، شروحات نوشتند. بیش از چهل نویسنده از جمله پنج نویسنده بوسنیایی یعنی: احمد سودی بوسنوی (سده شانزدهم)، مصطفی ایونوویچ - شیخ یویو (سده هفدهم)، عطفی احمد بوسنوی (سده هجدهم)، احمد خاتم آقوالی‌زاده (سده هجدهم) و علی ذکی کیمیگر (سده هجدهم)

بر این فرهنگ شرح نوشته‌اند. سرانجام در اواخر سده نوزدهم، نویسندگانی ناشناس، فرهنگ چهار زبانه عربی - ترکی - فارسی - بوسنیایی را تألیف کرد که شامل شصت و شش صفحه نسخه خطی است و در کتابخانه غازی خسروبیگ سارایوو نگهداری می‌شود. این فرهنگ، نخستین فرهنگی است که واژه‌نگاری فارسی و بوسنیایی را بی‌واسطه به هم پیوند می‌دهد. در اینجا لازم است از دستنویس فرهنگ فارسی - بوسنیایی فیض‌الله حاجی بایریچ (درگذشته ۱۹۹۰) که شامل حدود هزار مدخل و به‌نوعی ادامه سنت عثمانی در دوران پس از استیلای آنان است، یاد کرد که مؤلف خود آن را به کتابخانه غازی خسروبیگ سارایوو اهدا کرده است.

در طول سه دهه گذشته، توجه بیشتری به ایجاد ارتباط واژه‌پردازانه زبان فارسی و زبان‌های اسلاوهای جنوبی به وجود آمده است. نمونه نخست فرهنگ صرب و کرواتی - فارسی است که از سوی سفارت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۰ در بلگراد منتشر شد و پس از آن در سال ۱۹۹۹ فرهنگ فارسی - بوسنیایی اثر سید علی حسنی در تهران منتشر گردید. اگرچه ارزش علمی این دو فرهنگ، قابل انکار نیست و تلاش دلسوزانه مؤلفان آن کاملاً مشهود و محسوس است؛ اما باید اذعان کرد که اصول و قواعد روشمند فرهنگ‌نویسی به‌هیچ‌وجه در آن رعایت نشده است. از این‌رو، فرهنگ فارسی - بوسنیایی منتشرشده از سوی مؤسسه علمی پژوهشی ابن‌سینا در سال ۲۰۱۰ در سارایوو را می‌توان نخستین تلاش جدی ایران‌شناسی بوسنیایی در زمینه فرهنگ‌نویسی به شمار آورد. این فرهنگ، مرهون تلاش چندین ساله چند تن از پژوهشگران بوسنیایی است که سرانجام مبینا موکر و جنیتا خاورچ آن را به پایان رساندند.

فرهنگ بوسنیایی - فارسی، دربردارنده حدود پنجاه هزار واژه بوسنیایی و برابره‌های فارسی آنها، و همچنین نمونه‌های کاربرد آن واژه‌ها در ترکیب‌ها، عبارتهای اصطلاحی، ضرب‌المثل‌ها و جملات بوسنیایی و برابره‌های آنها به زبان فارسی است. پدیدآورندگان فرهنگ حاضر، پژوهشگران بوسنیایی‌زبان هستند و این امر باعث شده تا این فرهنگ در ساختاری دوزبانه و شاکله‌ای بومی - خارجی شکل بگیرد. حال آنکه بر همگان پیداست که تألیف فرهنگ با ساختار و شاکله خارجی - بومی به‌مراتب سهل‌تر و انتقال داده‌ها به کاربران امکان‌پذیرتر است.

در پایان باید به این نکته نیز اشاره کرد که متأسفانه توجه فارسی‌زبانان اصیل به فرهنگ‌نویسی بوسنیایی و میزان توجه دانشگاهیان به این زبان هنوز در حدی نیست که آنها به نگارش چنین فرهنگی اهتمام بورزند.

۲. چهارچوب روش‌شناسی

در روند نگارش این فرهنگ، اصول و قاعده‌های روش‌شناسی زیر تعیین و اعمال شده است:

۱-۲. واژگان موجود در این فرهنگ از فرهنگ زبان بوسنیایی تألیف خلیلوویچ، پالیچ و شهوویچ در سال ۲۰۱۰ و نیز «فرهنگ زبان بوسنیایی» یاهیچ در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ م. استخراج شده است. هنگام انتخاب برابره‌های فارسی، از واژه‌نامه‌های دوزبانه «فرهنگ بوسنیایی - انگلیسی بابیچ» (۲۰۱۴)، «فرهنگ کرواسی - انگلیسی بویاس» (۲۰۰۸) و «فرهنگ برخط آبادیس» استفاده شده است.

۲-۲. چینش واژگان به ترتیب الفبای بوسنیایی است و هنگام استخراج آنها نحوه توصیف لغت‌نویسانه آن که در «فرهنگ زبان بوسنیایی» خلیلوویچ، پالیچ و شهوویچ تعریف شده، اعمال شده است.

۳-۲. پس از هر واژه بوسنیایی، در چهارچوب مدخل تهیه‌شده، برابر / معادل‌های فارسی آن آورده شده است. ترتیب برابره‌های فارسی بر اساس بسامد کاربرد آنها در زبان فارسی است. در مواردی که بسامد کاربرد برابره‌های فارسی و غیرفارسی یکسان بوده، ارجحیت با برابره‌های فارسی بوده است.

۴-۲. پس از برابره‌های فارسی، نمونه‌های کاربرد واژگان در ترکیبات، عبارات اصطلاحی، ضرب‌المثل‌ها و جملات آورده شده است. نمونه‌های کاربرد در ترکیبات بر اساس سه معیار تدوین شده است که عبارت‌اند از:

- تغییرنیافتگی/تغییریافتگی صرفی واژه اصلی مدخل (نمونه‌های کاربردی‌ای که واژه اصلی مدخل در آنها دچار تغییر صرفی نشده، مقدم است)،

- جایگاه واژه اصلی مدخل در ترکیب و ترتیب الفبایی و نیز نمونه‌های کاربرد در عبارات اصطلاحی، ضرب‌المثل‌ها و جملات که به ترتیب الفبا آمده است.

۵-۲. برابره‌های فارسی واژگان، ترکیبات و عبارات اصطلاحی هم‌معنی، با علامت ویرگول و برابره‌های ضرب‌المثل‌ها و جملات هم‌معنی با علامت نقطه (.) از هم جدا شده‌اند.

۶-۲. برابره‌های فارسی واژگان، ترکیبات، عبارات اصطلاحی، ضرب‌المثل‌ها و جملاتی که معانی متفاوتی دارند، با علامت نقطه‌ویرگول (؛) از هم جدا شده‌اند.

۷-۲. برای فهم آسان‌تر معانی برخی برابرها یا برای تبیین بافت معنایی کاربرد آنها، گاهی پیش از برابرها، یک یا چند کلمه در داخل پرانتز آورده شده است.

۸-۲. برای فهم آسان‌تر معانی برابرها یا تبیین بافت معنایی کاربرد آنها، گاهی پیش از خود برابرها، برابره‌های توصیفی به‌صورت واژه یا عبارت آورده شده است.

۹-۲. جنسیت اسامی در برابرهای فارسی با واژگان «مرد» و «پسر» (برای جنس مذکر) و «زن» و «دختر» (برای جنس مؤنث) علامت‌گذاری شده است.
۱۰-۲. واژگان مخصوص علامت‌گذاری جنسیت اسامی، قبل از ترکیبات درپرانتر و پس از اسم و صفت، در جایگاه مضاف‌الیه آورده شده است.

بیشینه فرهنگ‌های فارسی در ایران تا سده چهاردهم میلادی در منطقه آذربایجان و آسیای مرکزی به نگارش درآمده است. از آن زمان، مرکز توسعه واژه‌نویسی فارسی به سمت مشرق‌زمین، یعنی شبه‌قاره هند منتقل گردید. این موج یک صد سال بعد، یعنی از سده پانزدهم به سوی مغرب زمین و تا مناطق آسیای صغیر گسترش پیدا کرد.

۱۱-۲. هم‌نام‌ها (واژگان دارای اشتراک در نگارش و تلفظ و با معنای متفاوت) با اعداد ترتیبی به‌عنوان نمایه در کنار واژه اصلی مدخل، علامت‌گذاری شده است.

۱۲-۲. هم‌نام‌ها (واژگان دارای اشتراک در نگارش و تلفظ و با معنای متفاوت) و سایر کلمات دارای شکل یکسان، تکیه‌گذاری شده است. روش تکیه‌گذاری از فرهنگ زبان بوسنیایی خلیوویچ، پالیچ و شهوویچ اخذ شده است.

۱۳-۲. اگر واژه اصلی مدخل در نمونه کاربرد در حالت فاعلی یا مفعولی به‌صورت مصدر آمده، به‌جای آن علامت ~ آورده شده است.

۱۴-۲. اگر واژه اصلی مدخل در نمونه کاربرد در حالتی غیر از حالت فاعلی یا مفعولی به‌غیر از صورت مصدر آمده، به‌جای آن علامت «_» به‌اضافه پسوند یا شناسه صرفی لازم آورده شده است. اگر چنین واژه‌ای در آغاز ضرب‌المثل و جمله آمده، نخستین حرف آن به شکل درشت آورده شده است.

۱۵-۲. افعال دارای شخص، عدد و زمان معین در نمونه‌های کاربرد به‌صورت کامل آمده است.

۱۶-۲. اگر یک واژه، ترکیب یا عبارت، چند معادل با معانی متفاوت داشته باشد، این برابرها با علامت «/» از هم جدا شده‌اند.

۱۷-۲. هنگام ارجاع به مدخل دیگر، از علامت → استفاده شده است.

۱۸-۲. برابرهای فارسی در فرهنگ‌های زیر راستی‌آزمایی شده است:

۱-۱۸-۲. /مثال و حکم (علی‌اکبر دهخدا، ۱۳۸۳)

۲-۱۸-۲. فرهنگ بزرگ سخن (حسن انوری، ۱۳۸۱)

۲-۱۸-۳. فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی (حسن ذوالفقاری، ۱۳۹۲)

۲-۱۸-۴. فرهنگ برخط واژه‌یاب (<https://www.vajehyab.com>)^۱

۳. قواعد رسم‌الخط فارسی

در زبان فارسی با وجود مصوبه‌ها و شیوه‌نامه‌های مراکز و نهادهای ذی‌صلاحی مانند فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به دلیل تنوع در صورت نوشتار کلمات و جملات، قواعد کلی برای رسم‌الخط که موردپذیرش همگان باشد، وجود ندارد. از این رو نویسندگان در نگارش فرهنگ حاضر، بیشتر بر اساس مصوبه فرهنگستان عمل نموده و موارد زیر را به کار برده‌اند.

۳-۱. اعمال نیم‌فاصله

در رسم‌الخط فارسی رایانه‌ای امروز، مسئله نیم‌فاصله میان برخی واژه‌ها مختوم به حروف چسبان - که به آنها اشاره خواهد شد - اهمیت به‌سزایی دارد، زیرا نقش مهمی در آراستگی نوشتار و پاکیزگی متن ایفا می‌کند. در این فرهنگ، نیم‌فاصله در این موارد اعمال شده است:

۳-۱-۱. میان «می» و فعل: می‌دهم، می‌کنی، می‌سازد، می‌رویم، می‌خواهید، می‌نوازند ...

۳-۱-۲. میان صفت مفعولی و فعل کمکی «بودن»: داده‌ام، کرده‌ای، رفته است، ساخته‌ایم، خواسته‌اید، نواخته‌اند و ...

۳-۱-۳. میان اجزای اسم‌های مرکب: آتشبازی، پیمان‌شکنی، راه‌آهن و ...

۳-۱-۴. میان اجزای صفت‌های مرکب: حقّه‌باز، خامدست، نغمه‌سرا و ...

۳-۱-۵. میان اجزای قیده‌های مرکب: بدخواهانه، دوان‌دوان، زنده‌زنده و ...

۳-۱-۶. میان واژه‌هایی که صورت نوشتاری اجزای آنها به هم نزدیک یا یکسان و معنای آنها نیز یکی است: ترق‌ترق، جیغ‌جیغی، کمک و ...

۳-۱-۷. میان حروف اضافه و اسم پس از آنها: به‌صورت، به‌طور، به‌عنوان، بی‌عیب و ...

۳-۱-۸. میان «ها» ی جمع و اسم‌های پس از آن: اتاق‌ها، لباس‌ها، نصیحت‌ها و ...

۳-۱-۹. میان دو جزء مختوم به حروف چسبان کلمات عربی که در فارسی به کار

می‌روند و رایج‌اند: بین‌المللی، دائم‌الخمر، لوازم‌التحریر و ...

۳-۱-۱۰. میان «ب/به» صفت و قیدساز و صفت و قید: به‌سادگی، به‌شدت، به‌سرعت

و ...

۱. در تارنمای موردنظر به دو فرهنگ اساسی زبان فارسی - یعنی لغتنامه دهخدا و فرهنگ معین - مراجعه شده است.

فرهنگ حاضر، دربردارنده حدود پنجاه هزار واژه بوسنیایی و برابره‌های فارسی آنها، و همچنین نمونه‌های کاربرد آن واژه‌ها در ترکیب‌ها، عبارت‌های اصطلاحی، ضرب‌المثل‌ها و جملات بوسنیایی و برابره‌های آنها به زبان فارسی است. پدیدآورندگان فرهنگ حاضر، پژوهشگران بوسنیایی زبان هستند و این امر باعث شده تا این فرهنگ در ساختاری دوزبانه و شاکل‌های بومی - خارجی شکل بگیرد. حال آنکه برهمگان پیداست که تألیف فرهنگ با ساختار و شاکله خارجی - بومی به مراتب سهل‌تر و انتقال داده‌ها به کاربران امکان‌پذیرتر است.

۳-۲. موقعیت مکانی «با» در صفت‌ها و قیدها

در زبان فارسی حرف اضافه «با» دارای موقعیت‌های دستوری گوناگونی است که از جمله آنها می‌توان به «بای صفت‌ساز» و «بای قیدساز» اشاره کرد. در مورد نخست «با» بدون فاصله با صفت آورده شده (باتجربه، باسخت، باوجدان و...) و در مورد دوم یک فاصله میان با و قید اعمال گردیده است (با بدگمانی، با خجالت، با طعنه و...).

۳-۳. موقعیت همزه

در اسم فاعل‌ها و اسم مفعول‌های عربی (قائل، دائم، مسئول و...) و نیز سایر کلمات عربی متداول در فارسی مانند: ارائه، علائم، مسئولیت و غیره، شکل همزه هم در صورت نوشتاری فارسی/عربی و هم در آوانویسی بوسنیایی حفظ شده است. زیرا جزء هویت واژه به شمار می‌آید.

۳-۴. موقعیت «یا» ی بدل از کسره

در زبان فارسی، واژه‌های مختوم به «واو» در حالت مضافی «یا» ی بدل از کسره می‌گیرند. در فرهنگ این قاعده رعایت شده است (مانند: جلوی، خودروی، راهروی و...). اما در یک مورد استثنا وجود دارد و آن واژه «قلمرو» می‌باشد که به صورت «قلمرو» آمده است؛ زیرا این واژه از واژگان کم‌رواج زبان فارسی است و کاربرد آن بیشتر در کتاب‌هاست و نه مکالمات روزمره مردم.

۳-۵. تلفظ صفت فاعلی «دهنده»

این صفت فاعلی از مصدر «دادن» و بُن مضارع «ده» ساخته شده است؛ بنابر قاعدهٔ دستور زبان فارسی باید به شکل «دهنده» نوشته و تلفظ شود؛ اما در گویش تهرانی جدید به شکل «دَهنده» تلفظ می‌شود که در فرهنگ نیز به این صورت درج شده است. لازم به ذکر است که تلفظ صفت‌های فاعلی دیگر مانند: دَمنده، دَونده، رَونده، شَونده و... که از بُن‌های مضارع دم، دو، رو، شو و... هستند نیز با فتحه است و شاید به سیاق این کلمات و نیز تحت تأثیر گویش تهرانی «دهنده» به صورت «دَهنده» تلفظ می‌شود.

۳-۶. «یا» ی نکره

در دستور زبان فارسی «یا» ی نکره کاربرد خاصی دارد؛ اما از آنجاکه وجود ماهیت و موارد کاربرد این «یا» برای غیرفارسی‌زبانان به‌ویژه دانشجویانی که در حال آموختن زبان فارسی هستند، دشوار است، تلاش شده تا آنجا که می‌شود از کاربرد آن دوری کرد؛ اما در مواردی مانند نمونهٔ زیر استفاده از آن اجتناب‌ناپذیر است:

روز بد داشتن ← روز بدی داشتن (برای فارسی‌زبان، مورد دوم، رایج‌تر و از نظر معنارسانی به مقصود نزدیک‌تر است).

۳-۷. موقعیت تشدید

در رسم‌الخط عربی، تشدید نشانه‌ای برای تکرار یک حرف است که صورت نوشتاری آن حذف گردیده و تلفظ آن در حرف بعدی، ادغام شده است. کلماتِ مشدّد بسیاری در زبان فارسی وارد شده است؛ اما به‌کاربردن تشدید به جایگاه کلمه در ترکیب، عبارت یا جمله، بستگی دارد؛ مانند:

رد (بدون تشدید) ← ردّ پا (رد در حالت مضافی تشدید می‌گیرد) / سن (بدون تشدید) ← سنّ بلوغ (سن در حالت مضافی تشدید می‌گیرد) / ضد (بدون تشدید) ← ضدّ حریق (ضد در حالت مضافی تشدید می‌گیرد).

۳-۸. ضرورت تنوین نصب

تنوین نصب در زبان عربی حرف «نون» است. از این‌رو به کاربردن آن در قیدهای عربی که در زبان فارسی تداول یافته‌اند، ضروری به نظر می‌رسد. زیرا از نظر ساختار دستوری، یک حرف به شمار می‌آید؛ حتماً، قطعاً، لزوماً و... .

۴. اختصارات

۴-۱. اختصارات به زبان بوسنیایی

prij.	حرف اضافه	br.	عدد
pril.	قید	čest.	ادات
red.	(عدد ترتیبی)	gl.	فعل
s.	(جنس خنثی)	gl. im.	اسم فعل
uzv.	صوت	im.	اسم
vez.	حرف ربط	m.	(جنس مذکر)
z.	(اسم) جمع، (عدد) جمع	pl. t.	اسم جمع
ž.	(جنس) مؤنث	prid.	صفت

۴-۲. اختصارات به زبان فارسی

تعریض	تعر	آشپزی	آش
جمع	ج	آواشناسی	آوا
جامعه‌شناسی	جام	ادبیات	اد
جانور	جان	اسطوره	اسط

اسل	اسلام	جغ	جغرافیا
اصط	اصطلاح	حق	حقوق
اق	اقتصاد	دا	داروسازی
بان	بانک‌داری	دست	دستور
بدع	بدیع	دین	دین
برق	برق	روان	روان‌شناسی
بلغ	بلاغت	ریا	ریاضیات
بیا	عبارت بیانگرانه	زبا	زبان‌شناسی
پز	پزشکی	زم	زمین‌شناسی
تا	تاریخ	زیست	زیست‌شناسی
تحب	تحبیب	سیا	سیاست
تحق	تحقیر	سینما	سینما
شطر	شطرنج	مست	عبارت مستهجن
شیم	شیمی	مسح	مسیحیت
طا	طالع‌بینی	مع	معماری

فق	فقه	مکا	مکانیک
فل	فلسفه	مرد	مردم‌شناسی
فن	فن	منط	منطق
فیز	فیزیک	مو	موسیقی
فیلم	فیلم	نا	نادر
قوم	قوم‌شناسی	نجم	علم نجوم
کال	کالبدشناسی	نظ	اصطلاح نظامی
کام	اصطلاح کامپیوتری	نقا	نقاشی
کشا	کشاورزی	نیک	نیک‌واژه
کهن	کهن‌واژه	ور	ورزش
گیا	گیاه‌شناسی	هوا	هواشناسی
مجا	معنای مجازی	هند	هندسه
محا	محاوره	هنر	هنر
		یهد	یهودیت

در زبان فارسی با وجود مصوبه‌ها و شیوه‌نامه‌های مراکز و نهادهای ذی‌صلاحی مانند فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به دلیل تنوع در صورت نوشتار کلمات و جملات، قواعد کلی برای رسم الخط که مورد پذیرش همگان باشد، وجود ندارد. از این رو نویسندگان در نگارش فرهنگ حاضر، بیشتر بر اساس مصوبه فرهنگستان عمل نموده‌اند.

۵. ساختار آوانویسی لاتین برابره‌های فارسی

ساختار آوانویسی لاتین برابره‌های فارسی تا حد زیادی با ساختار استاندارد در ایران‌شناسی بوسنیایی منطبق است. این ساختار در فرهنگ حاضر آوایی است و با اعمال آن کوشیده شده تا تلفظ صحیح آواهای فارسی به شکلی نزدیک با گویش امروزی تهران منعکس گردد. ساختار آوانویسی لاتین برابره‌های فارسی، در وهله نخست، با این هدف به کار رفته است که استفاده از فرهنگ حاضر برای مخاطبانی در قلمرو زبان بوسنیایی (و نیز دیگر زبان‌های قلمرو اسلاوهای جنوبی) به‌طور آسان‌تر ممکن باشد.

۵-۱. مصوت‌های کوتاه

a	َ
o	ُ
e/i	ِ

۵-۲. مصوت‌های بلند

ā	اَ
ū	وُ
ī/i	یِ

۵-۳. مصوّت‌های مرکّب

ou	و
ei	ی

۵-۴. صامت‌ها

k	ک	s	ص	x	خ	ʔ/-	ء/ا
g	گ	z	ض	d	د	b	ب
l	ل	t	ط	z	ذ	p	پ
m	م	z	ظ	r	ر	t	ت
n/m	ن	ʔ/-	ع	z	ز	s	ث
v	و	ġ	غ	ž	ژ	ġ	ج
h	ه	f	ف	s	س	č	چ
y	ی	q/ġ	ق	š	ش	h	ح

قاموس‌نگاری دوزبانی، بسته به نوع آن، همواره درصدد ارائه داده‌های مربوط به واژگان زبان مقصد به مخاطب است و به مثابه وسیله‌ای محوری برای شناخت ابعاد مختلف زبانی یک جامعه عمل می‌کند. فرهنگ‌نویسی و ثبت برابریابی‌های زبانی میان دوسرزمین بوسنی و هرزگوین و ایران محل تلاقی دو سنت باریشه‌های فرهنگی کهن و استوار است که از دیرباز با هدف قراردادن شناخت زبان و ملزومات آن، صورت گرفته است.

odbaciti gl. (odbacim, odbacio)

دور انداختن [dūr andāxtan]، طرد کردن [tard kardan]، ول کردن [vel kardan]؛ رد کردن [rad kardan]، تأیید نکردن، [ta'yīd nakardan]، نپذیرفتن؛ [napazīroftan] (محا) رساندن [resāndan]

~ argumentaciju استدلال کسی را رد کردن

~ do kuće به خانه رساندن

~ optužbu اتهام را رد کردن

~ ponudu پیشنهاد را نپذیرفتن

~ snijeg od ulaznih vrata برف را از در ورودی دور انداختن
Priateljji su ga odbacili. دوستان او را طرد کردند

Teško je odbaciti loše navike. دور انداختن عادت‌های بد سخت است.

veza m.

بند [band]؛ ارتباط [ertebāt]، رابطه [rābetel]، پیوند [peivand]؛ نسبت [nesbat]؛ (محا) رابطه عاشقانه [āšegāne ye-rābetel]، تماس [tamās]، ارتباط [ertebāt]؛ خط مسافری [mosāferbarī e-xatt]؛ اتصال به دیگر خطوط مسافری [mosāferbarī e-xotūt dīgar be ettesāl]؛ برقراری ارتباط از راه دور [barqarārī-ye ertebātazrāh-e dūr]؛ راهنما [rāhnamā]، کمک‌رسان [komakresān]؛ (نظ) نیروی مخابراتی [ye-nīrū]، مخابراتچی [moxāberātčī]، خبررسان [xabarresān]، رابط [rābet]

direktna ~	خط مستقیم
emocionalna ~	پیوند عاطفی
krvna ~	ارتباط خونی
ljubavna ~	رابطه عاشقانه
porodična ~	نسبت خانوادگی
bez -e; nigdje/nide -e	بی معنی، احمقانه
~na cipeli	بند کفش
oficir za -u	افسر رابط
prekid telefonske -e	قطع ارتباط تلفنی
u -i s	در رابطه با
autobuska ~ Travnik-Bihać	خط اتوبوس در مسیر تراونیک - بیهاچ
nemati blage/žive -e	چیزی ندانستن؛ اصلاً وارد نبودن
nemati -e	به کسی / چیزی ربطی نداشتن، با کسی/چیزی کاری نداشتن
propustiti -u za Isfahan	به خط اصفهان نرسیدن
nema -e	(اصط) مهم نیست، عیب ندارد
Bit ćemo u -i.	در تماس خواهیم بود
Tamo će ti ~ biti jedan naš rođak. یکی از بستگان ما آنجا رابط تو خواهد بود.	
To nema nikakve -e این هیچ ربطی ندارد. این کاملاً چیز دیگری است.	
On nikad nije imao -u. او هرگز نامزد نداشت.	